

Investigating the Effect of Economic Inequality on the Cognitive-Emotional Performance and Political Behavior in Students of Sistan and Baluchestan University

Mehrdad Mirmoradzehi¹  | Ali Basiriniya^{2✉}  | Hossien Jenaabadi³ 

1. MA. Student, Department of Political Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. Email: Mmirmoradzehi@gmail.com
2. Corresponding author: Assistant Professor, Department of Political Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. Email: a.basiriniya@lihu.usb.ac.ir
3. Professor, Political Sciences, Faculty of Education and Psychology, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. Email: hjenaabadi@ped.usb.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 13 September 2025 Received in revised form: 24 October 2025 Accepted: 4 February 2026 Published online: 30 May 2026 Keywords: Examining the impact of economic inequality, cognitive functioning, emotional, and political behavior.	This study was conducted with the aim of investigating the effect of economic inequality on the cognitive performance, emotional performance, and political behavior of students at the University of Sistan and Baluchestan, using a descriptive-analytical method. The statistical population of the study consisted of 378 male and female students of the University of Sistan and Baluchestan during the 2024-2025 academic year. A sample of 378 individuals was selected from this population using stratified random sampling. Data were collected using the Stroop Test (Stroop, 1935), the Economic Inequality Questionnaire (Mirmoradszehi, 2025), the Affective Control Scale (ACS), and the A.J. Dubrin Political Behavior Questionnaire (1987). For data analysis, multiple regression analysis was performed using SPSS software (version 2025). Given the constancy of the predictor variables in the regression, the normality of the criterion variables (cognitive performance, emotional performance, and political behavior) was assessed using skewness and kurtosis indices. The results indicated that all values fell within the acceptable range (-2 to +2). Consequently, the findings demonstrated that economic inequality has a significant negative impact on the level of both cognitive and emotional performance components, as well as on the political behavior of students at the University of Sistan and Baluchestan. These effects are primarily mediated through mechanisms such as chronic stress, perceptions of relative deprivation and injustice, reduced access to resources, and diminished motivation and trust.
Cite this article: Mirmoradzehi, M., Basiriniya, A., & Jenaabadi, H. (2026). Investigating the Effect of Economic Inequality on the Cognitive-Emotional Performance and Political Behavior in Students of Sistan and Baluchestan University. <i>Journal of Educational Psychology Studies</i>, 23 (61), 191-210. DOI: 10.22111/jeps.2025.51183.5936	



© The Author(s).

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

DOI: 10.22111/jeps.2025.51183.5936



بررسی تاثیر نابرابری اقتصادی بر عملکرد شناختی-هیجانی و رفتار سیاسی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان

مهرداد میرمراد زهی^۱ | علی بصیری نیا^۲ | حسین جنابادی^۳

1. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: Mmirmoradzehi@gmail.com
2. نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: a.basiriniya@lihu.usb.ac.ir
3. استاد تمام گروه علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: hjenaabadi@ped.usb.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	این پژوهش با هدف بررسی اثر نابرابری اقتصادی بر عملکرد شناختی، هیجانی و رفتار سیاسی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان با روش توصیفی-تحلیلی انجام شد. جامعه آماری پژوهش، شامل 378 نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه سیستان و بلوچستان در سال تحصیلی 1403-1404 بود که از میان آنها به روش تصادفی طبقه ای نمونه ای به تعداد 378 نفر انتخاب گردید. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه های آزمون استروپ (استروپ، 1935)، پرسشنامه نابرابری اقتصادی (میرمراد زهی، 1404)، مقیاس کنترل عاطفی (ACS)، پرسشنامه رفتارهای سیاسی آی جی دوبرین (1987) استفاده گردید. به منظور تحلیل داده ها از آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره با استفاده از نرم افزار spss (2025) استفاده شد. با توجه به ثابت بودن متغیرهای پیش بین در رگرسیون، نرمال بودن متغیرهای ملاک (عملکرد شناختی، هیجانی، و رفتار سیاسی) از طریق شاخص های کجی (Skewness) و کشیدگی (Kurtosis) ارزیابی شد نتایج نشان داد تمام مقادیر در بازه قابل قبول ($+2$) قرار دارند؛ بنابراین متغیر نابرابری اقتصادی هم بر سطح عملکرد مولفه های شناختی و هم بر سطح عملکرد مولفه های هیجانی و هم بر کنشوری رفتار سیاسی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان تاثیر منفی و معنادار دارد. این تاثیرات عمدتاً از طریق مکانیسم های استرس مزمن، احساس محرومیت نسبی و بی عدالتی، کاهش دسترسی به منابع و رفتار سیاسی.
تاریخ دریافت: 1404/6/22	
تاریخ ویرایش: 1404/8/2	
تاریخ پذیرش: 1404/11/15	
تاریخ انتشار: 1405/3/9	
واژگان کلیدی: بررسی تاثیر نابرابری اقتصادی، عملکرد شناختی، هیجانی، رفتار سیاسی.	
استناد: میرمراد زهی، مهرداد؛ بصیری نیا، علی؛ و جنابادی، حسین (1405). بررسی تاثیر نابرابری اقتصادی بر عملکرد شناختی-هیجانی و رفتار سیاسی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان. مطالعات روانشناسی تربیتی، 23 (61)، 191-210.	



مقدمه

نابرابری اقتصادی¹ یکی از چالش‌های مهم و پایدار در جوامع معاصر به شمار می‌رود که آثار گسترده‌ای بر ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها به‌ویژه در حوزه‌های شناختی، هیجانی و سیاسی دارد. این پدیده، که به توزیع نابرابر منابع، درآمد، ثروت و فرصت‌ها در بین اقشار مختلف جامعه اشاره دارد، پیامدهای اجتماعی، روان‌شناختی و سیاسی متعددی را در پی دارد و می‌تواند به ناپایداری‌های ساختاری، کاهش انسجام اجتماعی و تضعیف مشارکت اجتماعی منجر شود (بومان²، 2024).

نابرابری اقتصادی یکی از مسائل مهم و پراهمیت در جوامع مختلف است که می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر روی عملکرد شناختی، هیجانی و رفتار سیاسی افراد داشته باشد. نابرابری اقتصادی می‌تواند به شکل‌های مختلف، از جمله نابرابری درآمد، ثروت، فرصت‌های آموزشی و دسترسی به منابع اقتصادی، بروز کند. این نابرابری‌ها می‌توانند تأثیرات منفی بر روی عملکرد شناختی دانشجویان داشته باشند. به عنوان مثال، دانشجویان با منابع اقتصادی ناکافی ممکن است با مشکلات مالی و استرس روبه‌رو شوند که می‌تواند بر عملکرد شناختی آن‌ها تأثیر بگذارد (هاک و لوفر³، 2021).

علاوه بر این، نابرابری اقتصادی ممکن است تأثیرات منفی بر روی عملکرد هیجانی و رفتار سیاسی دانشجویان نیز داشته باشد. افراد با منابع اقتصادی کمتر ممکن است به دلایل مختلف احساس ناامنی و نارضایتی کنند که ممکن است به تغییر در رفتار سیاسی آن‌ها منجر شود.

¹ . Economic inequality

² . Boman

³ .Haeck & Lefebvre

(گوبل و همکاران¹، 2024). در واقع، نابرابری اقتصادی به وضعیتی اشاره دارد که در آن افراد یا گروه‌های مختلف در یک جامعه، به دلیل تفاوت‌های در درآمد، ثروت، فرصت‌های اقتصادی، دسترسی به خدمات و منابع اقتصادی، با یکدیگر تفاوت دارند. این نابرابری‌ها ممکن است ناشی از عوامل مختلفی مانند تحصیلات، شغل، جنسیت، نژاد، طبقه اجتماعی، سن، محل زندگی و سایر عوامل باشد. نابرابری اقتصادی خانواده می‌تواند منجر به تفاوت‌های بزرگ در شرایط زندگی و فرصت‌های اجتماعی شود و باعث بروز ناتوانی‌ها، تنش‌ها و ناپایداری‌های اجتماعی گردد. بنابراین، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و ترویج عدالت اقتصادی می‌تواند به تعادل و پایداری اقتصادی و اجتماعی کمک کند (راکش² و همکاران، 2025).

دانشجویان به عنوان قشر فعال، حساس و تأثیرگذار جامعه، در معرض مستقیم پیامدهای نابرابری اقتصادی قرار دارند. آن‌ها علاوه بر وظایف تحصیلی، با فشارهای مالی، ناامنی اقتصادی، و آینده شغلی مبهم مواجه هستند که این عوامل می‌توانند عملکرد شناختی، وضعیت روانی و مشارکت سیاسی آنان را به شدت تحت تأثیر قرار دهند. طبق یافته‌های متعدد، دانشجویانی که از خانواده‌های با درآمد پایین‌تری برخوردارند، به دلیل دسترسی محدود به منابع آموزشی، خدمات سلامت روان، و پشتیبانی اجتماعی، در معرض آسیب‌های شناختی و هیجانی قرار دارند که خود می‌تواند منجر به افت تحصیلی و ضعف در انگیزش شود (دو³ و همکاران، 2024).

در این مقاله، نابرابری اقتصادی و تأثیر آن بر عملکرد شناختی-هیجانی و رفتار سیاسی افراد، به ویژه

¹.Gobel

². Rakesh

³. Du

دانشجویان، بررسی شده است. در این پژوهش مفهوم نابرابری با توجه به سنجش استاندارد نابرابری اقتصادی عبارت است از حاصل درآمد مالی آن می باشد. نابرابری اقتصادی به توزیع نابرابر درآمد یا فرصتها بین گروه های مختلف جامعه گفته میشود و تقریباً در همه کشورها وجود دارد. این موضوع با مفاهیم انصاف، برابری نتیجه و برابری فرصت مرتبط است و در طول تاریخ و در سیستمهای اقتصادی مختلف، متفاوت بوده است. برای اندازه گیری نابرابری اقتصادی از شاخص های مختلفی مانند ضریب جینی استفاده میشود. مطالعات نشان داده است که نابرابری اقتصادی میتواند تأثیرات منفی بر سلامت روان و رفتار سیاسی افراد داشته باشد. بهبود رفاه نسبی افراد میتواند به ارتقاء عملکرد شناختی و عاطفی آنها کمک کند. همچنین، نابرابری اقتصادی بر رفتار سیاسی و مشارکت اجتماعی افراد نیز تأثیرگذار است و عمدتاً اثر منفی بر سطح رفتار سیاسی افراد دارد. (بروکمن¹ و همکاران، 2019؛ جکسون² و همکاران، 2021) این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر نابرابری اقتصادی بر سطح عملکرد شناختی-هیجانی و رفتار سیاسی در بین افراد جامعه، به ویژه دانشجویان است. دانشجویان به عنوان قشری مهم از جامعه، میتوانند نقش بسزایی در توسعه و پیشرفت کشور ایفا کنند. بنابراین، بررسی تأثیر نابرابری اقتصادی خانواده بر این قشر از جامعه از اهمیت ویژه برخوردار است. (بهبودی و همکاران، 2013؛ کرد³ و همکاران، 2016)

طبق اعلام سازمان بهداشت جهانی بحران های اقتصادی باعث تحمیل هزینه های معادل 3 تا 4 درصد تولید ناخالص داخلی کشورها به منظور درمان اختلالات روانی و

¹. Broockman

². Jackson

³. Kord

رفتاری می شود. جامعه سالم یکی از عوامل اصلی در توسعه و تحول هر کشوری می باشد که در گرو مشارکت اجتماعی افراد سالم است. از موضوعات مهم در مطالعات جامعه شناسی سیاسی، در نظر گرفتن تاثیر نابرابری اقتصادی بر سلامت و رفتار آحاد جامعه است؛ موضوعی که امروزه برای کشورها از اهمیت خاصی برخوردار است. رفتار سیاسی از يك طرف به دليل مدنظر قراردادن موضوع مشارکت سياسي براي سنجش مشروعیت يك نظام و از سوي دیگر به منزله عاملی براي افزایش کارآمدی يك نظام سياسي تحت تاثیر عوامل اقتصادی-اجتماعی است. با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر نابرابری اقتصادی خانواده بر عملکرد شناختی، هیجانی و رفتار سیاسی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان انجام شده است. این تحقیق در تلاش است تا با استفاده از چارچوبهای نظری معتبر و داده های تجربی، ابعاد مختلف این مسئله را شناسایی کرده و راهکارهایی برای بهبود وضعیت موجود ارائه دهد. هدف نهایی این مطالعه، کمک به تصمیم گیران حوزه آموزش و سیاستگذاران اجتماعی برای تدوین برنامه های حمایتی، ارتقاء عدالت اجتماعی و کاهش شکافهای اقتصادی در جامعه دانشگاهی کشور است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر جهت شناسایی و بررسی اثر نابرابری اقتصادی بر عملکرد شناختی، هیجانی و رفتار سیاسی انجام گرفت. لذا، روش پیشنهادی جهت نیل به هدف فوق، علی-مقایسه ای می باشد.

نمونه گیری براساس محاسبات فرمول کوکران تعداد 378 نفر به عنوان حجم نمونه آماری مورد مطالعه قرار گرفت.

ابزار پژوهش

پرسشنامه محقق ساخته نابرابری اقتصادی

با توجه به پیچیدگی خیلی از پرسشنامه های نابرابری اقتصادی از پرسشنامه های پیچیده استفاده نشد، لذا در مدت تحقیق این موضوع در سال 1402-1403 صرفاً از یک پرسشنامه محقق ساخت با انجام مراحل ذیل جهت سنجش پایایی و روایی پرسشنامه بر جامعه هدف (دانشجویان) استفاده شده بود. این ابزار متشکل از ۱۰ گویه بود که از لحاظ ساختار پاسخ ها (تعداد گزینه ها و مقیاس های امتیازدهی) ناهمگون طراحی شده بودند (به عنوان مثال، یک سوال ۵ گزینه ای با امتیازدهی معکوس: گزینه ۱=۵ امتیاز، گزینه ۵=۱ امتیاز).

اعتبار (روایی) محتوایی پرسشنامه از طریق مرور ادبیات نظری، استفاده از پرسش های معتبر پیشین و نظرسنجی از خبرگان (اساتید متخصص) حاصل شد. گویه ها پس از اعمال اصلاحات بر اساس نظرات خبرگان و اخذ تأیید نهایی آنان، نهایی گردیدند. پایایی (قابلیت اعتماد) درونی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت.

ضریب به دست آمده ($\alpha = 0.844$) بیانگر سطح مطلوب همسانی درونی گویه ها و کفایت ابزار برای اندازه گیری متغیر مورد نظر بود.

پرسشنامه استاندارد رفتارهای سیاسی ای. جی. دوبرین^۱

پرسشنامه استاندارد رفتار سیاسی ای. جی. دوبرین (۱۹۸۷)، جهت سنجش رفتار سیاسی که به همین منظور طراحی شده بود، استفاده شد. پایایی (قابلیت اعتماد) درونی این ابزار نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ارزیابی گردید. ضریب گزارش شده ($\alpha = 0.84$) حاکی از همبستگی درونی بالا و قابلیت اعتماد مناسب پرسشنامه بود. اعتبار (روایی) محتوایی پرسشنامه دوبرین نیز مورد تأیید متخصصان دانشگاهی قرار گرفته بود. (میرمراذهی، ۱۴۰۴، ص ۷۰)

آزمون استروپ^۲

تکلیف استروپ یکی از شناخته شده ترین و با نفوذ ترین پارادایم ها در روانشناسی شناختی است. این آزمون در سال 1935 توسط رایدلی استروپ جهت ارزیابی کنش های اجرایی از قبیل بازداري و کنترل مهاری

¹ A.j.Dobryn Questionnaire

² Stroop Test

تدوین گردید. بعد از ارائه مدل کلاسیک این آزمون در سال 1935، مدل های گوناگونی از این آزمون تاکنون ساخته و مورد استفاده قرار می گیرد. در مدل های کامپیوتری آن، واژه های همخوان (رنگ کلمه با معنای کلمه یکسان است) و کلمه های ناهمخوان (رنگ کلمه با معنای کلمه یکسان نیست) به صورت تصادفی در یک زمان مشخص به فرد ارائه می شود و زمان واکنش به کلمات همخوان و ناهمخوان، تعداد پاسخ های صحیح، پاسخ های غلط و پاسخ های نداده فرد به صورت دقیق محاسبه می شود. اثر تداخل باعث می شود سرعت عملکرد آزمودنی ها در نامیدن کلمه های نا همخوان (رنگ کلمه با معنای کلمه یکسان نیست) نسبت به کلمه همخوان (رنگ کلمه با معنای کلمه یکسان است) کاهش یابد (دابسون¹، دوزویس؛ 2004). صالحی فدردی و ضیایی (2010) در مطالعه مرور سیستماتیک خود نتیجه گرفتند آزمون استروپ از همسانی درونی بالایی برخوردار است و ضریب آلفای کرونباخ آن را 0.80 گزارش کردند و هم چنین شواهد زیادی برای روایی آن وجود دارد، که توسط اساتید متخصص دانشگاه مورد تایید قرار گرفته بود (میرمراذهی، 1404، ص 70).

در این آزمون آزمودنی ها باید به هریک از چهار کلید تعیین شده پاسخ دهند. در تهیه این آزمون به طور کلی چهار کلمه (سبز، قرمز، زرد، آبی) 96 بار ارائه می شود که 50 درصد (48 کوشش) آن ها به صورت همخوان و 50 درصد (48 کوشش) به صورت نا همخوان است. به عبارت دیگر هر یک از کلمات 4 بار ارائه می شود که 2 بار آن به صورت همخوان و 2 بار آن به صورت نا همخوان می باشد.

مقیاس استاندارد کنترل عاطفی (ACS)²

مقیاس استاندارد کنترل عاطفی (ACS) ابزاری خودگزارشی متشکل از 42 گویه است که کنترل فرد بر عواطف خود را می سنجد. این مقیاس دارای 4 زیرمقیاس فرعی است: خشم (8 گویه)، خلق افسرده (8 گویه)،

³ dubsoon

¹ Affective Control Scale (ACS)²

اضطراب (13 گویه) و عاطفه مثبت (13 گویه). پاسخها بر اساس مقیاس لیکرت 7 درجه ای (1= به شدت مخالف تا 7= به شدت موافق) ثبت می‌شوند. و 12 گویه به صورت معکوس نمره گذاری می‌گردند.

**اعتبار (پایایی). **

* نسخه اصلی (ویلیامز و همکاران، 1997): اعتبار درونی (آلفای کرونباخ) نمره کلی 0.94 و زیرمقیاسها بین 0.72 (خشم) تا 0.91 (خلق افسرده) گزارش شد. پایایی بازآزمایی نمره کلی 0.78 و زیرمقیاسها بین 0.66 (عاطفه مثبت) تا 0.77 (اضطراب) بود.

* نسخه فارسی (دهش، 1388): آلفای کرونباخ نمره کلی 0.84 و زیرمقیاسها بین 0.53 (خشم) تا 0.76 (خلق افسرده) به دست آمد.

*ملاحظات اخیر: مطالعات تحلیل عاملی اکتشافی (ملکا و همکاران، 2011) نشان داده‌اند که ساختار چهارعاملی این مقیاس به تنهایی ممکن است تناسب کافی با الگوهای رفتاری مشاهده شده نداشته باشد. در نتیجه، نسخه‌های تکمیلی این مقیاس همراه با تصاویر هیجانی مرتبط با زیرمقیاسها ارائه شده‌اند تا بر این محدودیت غلبه کنند.

یافته ها

یافته های جمعیت شناختی

توزیع فراوانی اعضای نمونه از نظر جنسیت جدول 1 توزیع فراوانی اعضای نمونه را از نظر جنسیت را نشان می دهد.

جدول 1. توزیع فراوانی اعضای نمونه از نظر جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
مرد	20	66/7
زن	10	33/3
کل	30	100

جدول 2 توزیع فراوانی اعضای نمونه را از نظر تحصیلات را نشان می دهد.

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
کاردانی	5	16/7
کارشناسی	17	56/7
کارشناسی ارشد	8	26/7
کل	30	100

یافته های توصیفی پژوهش

در این قسمت شاخص های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، حداکثر نمره و حداقل نمره) نمرات آزمودنی ها در متغیرهای پژوهش ارائه می گردد. جدول 3. یافته های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
رفتار سیاسی	31/40	2/90	26	38
نابرابری اقتصادی	25/70	3/17	20	32
خشم	31/83	4/86	20	43
خلق افسرده	33/36	4/60	22	43
اضطراب	47/50	6/80	36	60
عاطفه مثبت	43	3/11	37	50
عواطف کلی	177/43	24/56	147	220
همخوان	46	8	38	61
ناهمخوان	48	8	37	65

یافته های حاصل از جدول 3 نشان میدهد نمرات آزمودنی ها در متغیر رفتار سیاسی یانگین و انحراف

معیاردر متغیر مذکور به ترتیب 31/40 و 2/90 می باشد. در متغیر نابرابری اقتصادی میانگین و انحراف معیاردر متغیر مذکور به ترتیب 25/70 و 3/17 می باشد. در متغیر کنترل عواطف میانگین و انحراف معیاردر مولفه خشم به ترتیب 31/83 و 4/86 ، در مولفه خلق افسرده میانگین و انحراف معیار 33/36 و 4/60، در مولفه اضطراب میانگین و انحراف معیار 47/50 و 6/80، و در مولفه عاطفه مثبت میانگین و انحراف معیار 43 و 3/11 و در نمره کلی عواطف میانگین و انحراف معیار به ترتیب 177/43 و 24/56 می باشد. در متغیر عملکرد شناختی آزمون استروپ میانگین و انحراف معیاردر مرحله همخوان به ترتیب 46 و 8 ، در مرحله ناهمخوان میانگین و انحراف معیار 48 و 8 می باشد.

یافته های استنباطی پژوهش

برای تحلیل داده ها از روش های آماری استنباطی شامل تحلیل رگرسیون چندگانه و آزمون های معنی داری استفاده شد تا روابط علی و همبستگی بین متغیرها مورد ارزیابی قرار گیرد.

بدین منظور آزمون فرضیه ها از رگرسیون خطی چند متغیره و تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد.

جدول 4. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره تاثیر نابرابری اقتصادی بر سطح عملکرد مولفه های شناختی و هیجانی و کنشوری رفتار سیاسی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	f	df	p	R	R ²	Beta	t	p
عملکرد مولفه های شناختی	نابرابری اقتصادی	24/94	1	0/0001	0/405	0/164	-0/405	-2/34	0/0001
عملکرد مولفه های هیجانی	نابرابری اقتصادی	25/64	1	0/0001	0/510	0/168	-0/510	-2/27	0/0001

رفتار سیاسی	نابرابری اقتصادی	1	16/56	0/0001	0/436	0/190	-0/436	-2/56	0/0001
-------------	------------------	---	-------	--------	-------	-------	--------	-------	--------

- بر اساس نتایج جدول ۴، نابرابری اقتصادی تأثیر منفی و معنادار آماری بر سه حوزه عملکردی در میان دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان دارد:
1. عملکرد مولفه های شناختی: ($\beta = -0.405, p < 0.0001$)
 2. عملکرد مولفه های هیجانی: ($\beta = -0.510, p < 0.0001$)
 3. کنشوری رفتار سیاسی: ($\beta = -0.436, p < 0.0001$)

یافته های جدول 4 نتایج بررسی تأثیر نابرابری اقتصادی بر سطح عملکرد مولفه های شناختی را نشان می دهد نتایج حاکی از آن است که تأثیر نابرابری اقتصادی ($p < 0/0001$) و ($\beta = -0/405$) بر عملکرد مولفه های شناختی را به صورت منفی و معنی دار نشان میدهد. بنابراین نابرابری اقتصادی بر سطح عملکرد مولفه های شناختی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان تأثیر منفی و معنادار دارد.

همچنین نتایج بررسی تأثیر نابرابری اقتصادی بر سطح عملکرد مولفه های هیجانی را نشان می دهد نتایج حاکی از آن است که تأثیر نابرابری اقتصادی ($p < 0/0001$) و ($\beta = -0/510$) بر عملکرد مولفه های هیجانی را به صورت منفی و معنی دار نشان میدهد. بنابراین نابرابری اقتصادی بر سطح عملکرد مولفه های هیجانی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان تأثیر منفی و معنادار دارد.

همچنین نتایج بررسی تأثیر نابرابری اقتصادی بر کنشوری رفتار سیاسی را نشان می دهد نتایج حاکی از آن است که تأثیر نابرابری اقتصادی ($p < 0/0001$) و ($\beta = -0/436$) بر کنشوری رفتار سیاسی را به صورت منفی و معنی دار نشان میدهد. بنابراین نابرابری اقتصادی بر کنشوری رفتار سیاسی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان تأثیر منفی و معنادار دارد.

لذا یافته‌ها به‌طور قاطع نشان می‌دهند که نابرابری اقتصادی به‌عنوان یک پیش‌بینی کننده منفی و معنادار، هم بر عملکرد شناختی، هم بر عملکرد هیجانی و هم بر کنش‌وری رفتار سیاسی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان تأثیرگذار است. مقادیر بتا (β) منفی و سطح معناداری بسیار بالا ($p < 0.0001$) در هر سه حوزه، این تأثیر منفی را تأیید می‌کند.

تحلیل آماری پیش فرض‌های پژوهش: این پیش فرض‌ها عبارتند از:

نرمال بودن داده‌ها و استقلال خطاها

جدول 5. نتایج آزمون دوربین و اتسون جهت تشخیص استقلال خطاها

متغیر ملاک	منبع پیش‌بینی	آزمون دوربین- واتسون
عملکرد شناختی	نابرابری اقتصادی	1/92
هیجانی		
رفتار سیاسی		

الف. بررسی نرمال بودن داده‌ها (متغیرهای ملاک).

- با توجه به ثابت‌بودن متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون، نرمال‌بودن تنها برای متغیرهای ملاک (عملکرد شناختی، هیجانی و رفتار سیاسی) از طریق شاخص‌های کجی (Skewness) و کشیدگی (Kurtosis) ارزیابی شد.
- معیار پذیرش: مقادیر مطلق کجی و کشیدگی ≥ 2 .

- یافته‌ها:

- عملکرد شناختی: کجی = ۲۶۳.۰، کشیدگی = ۰/۳۷۲
- عملکرد هیجانی: کجی = ۱۸۰.۰، کشیدگی = ۰/۳۵۰
- رفتار سیاسی: کجی = ۰/۵۲۹، کشیدگی = ۰/۶۲۳

1) نرمال بودن داده‌ها: از آنجا که در رگرسیون ارزش متغیرهای پیش‌بین ثابت است و فقط ارزش متغیر ملاک، متغیر است. بنابراین تنها لازم است مفروضه نرمال بودن برای متغیر ملاک بررسی شود. جهت نرمال بودن نمرات متغیر ملاک در این پژوهش (عملکرد شناختی، هیجانی و رفتار سیاسی)، کجی و کشیدگی این نمرات بررسی شد. کجی، شاخص تقارن توزیع است؛ کجی مثبت بیانگر این است که میانگین توزیع در سمت راست توزیع قرار گرفته است و کجی منفی نشان می‌دهد که میانگین توزیع در سمت چپ توزیع قرار دارد. کشیدگی، شاخص بلندی کلی توزیع است. کشیدگی مثبت که کشیدگی در انحنای نیز نامیده می‌شود نشان دهنده قله‌ای در مرکز توزیع است. کشیدگی منفی به معنی پخی یا پهنای

کشیدگی است و توزیع کاملاً پخ و یا مسطح را نشان می‌دهد. متغیری که توزیع نرمال دارد (یعنی متغیری که پهنای متوسط دارد)، اندازه‌های کجی و کشیدگی آن حدود صفر است. با این وجود مقادیر عددی در بازه 2 و -2- برای کجی و کشیدگی نیز قابل قبول می‌باشد. در بررسی نمرات عملکرد شناختی، هیجانی و رفتار سیاسی به عنوان متغیر ملاک در این پژوهش، کجی برای عملکرد شناختی 0/263 و کشیدگی 0/372 بدست آمد؛ برای متغیر هیجانی کجی 0/180 و کشیدگی 0/350 و برای رفتار سیاسی کجی 0/529 و کشیدگی 0/623 بدست آمد بنابراین این مقادیر در بازه 2 و -2- بوده که به معنای نرمال بودن داده‌ها می‌باشد.

- نتیجه اینکه تمام مقادیر در بازه قابل قبول (± 2) قرار دارند؛ بنابراین مفروضه نرمال بودن برقرار است.

- ب. بررسی استقلال خطاها (عدم خودهمبستگی).
- مفروضه استقلال خطاها با آماره دوربین-واتسون (Durbin-Watson) آزمون شد.
- معیار پذیرش: مقدار آماره < 4 .

- یافته‌ها:

آماره دوربین-واتسون برای تمام مدل‌های رگرسیون (پیش‌بینی تأثیر نابرابری اقتصادی بر متغیرهای ملاک) برابر با ۱/۹۲ محاسبه شد.

- نتیجه: با توجه به مقدار به دست آمده ($1/92 <$

۴)، مفروضه استقلال خطاها تأیید می‌شود.

(2) استقلال خطاها: یکی دیگر از پیش فرض‌های تحلیل رگرسیون، استقلال خطاها یا عدم خودهمبستگی می‌باشد. هر گاه، خطاهای متوالی یا جزء باقی‌مانده متغیرها به هم مرتبط باشند، خود همبستگی وجود دارد. برای بررسی این پیش فرض در رگرسیون از آماره دوربین-واتسون استفاده می‌شود. چنانچه آماره دوربین واتسون به دست آمده، کمتر از 4 باشد، نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی است. بر اساس نتایج مندرج در جدول 4،

مقادیر آماره دوربین- واتسون برای پیش بینی متغیر نابرابری اقتصادی بر عملکرد شناختی و هیجانی و رفتار سیاسی (1/92) کمتر از 4 بدست آمد؛ بنابراین مفروضه استقلال خطاها برای متغیرهای فوق برقرار می باشد.

در مجموع نتایج فوق حاکی از برقراری مفروضه های تحلیل رگرسیون برای آزمون فرضیه های پژوهش می باشد؛ بنابراین استفاده از این تحلیل ها بلامانع بوده و در ادامه نتایج مربوط به آنها ارائه می گردد.

۳. جمع بندی نهایی:

- برقراری مفروضات نرمال بودن داده ها و استقلال خطاها، امکان استفاده از تحلیل رگرسیون برای آزمون فرضیه های پژوهش را تأیید می کند.

بحث و نتیجه گیری

یافته های این پژوهش حاکی از تأثیرات معنادار و چند بعدی نابرابری اقتصادی بر دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان است که در سه حوزه اصلی قابل تبیین است:

عملکرد شناختی

* نابرابری اقتصادی خانواده تأثیر منفی و معناداری بر عملکرد شناختی دانشجویان دارد.

* این تأثیر عمدتاً از طریق مکانیسم های غیرمستقیم مانند کاهش دسترسی به منابع آموزشی (کتاب، منابع آنلاین، امکانات یادگیری) و افزایش استرس و اضطراب ناشی از نگرانی های مالی اعمال می شود.

* استرس مزمن مرتبط با مشکلات معیشتی و هزینه های تحصیل، مطابق با نظریه استرس لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴)، منجر به کاهش تمرکز، توجه و در نتیجه توانایی های شناختی در محیط های یادگیری و مطالعه می گردد (بومان، ۲۰۲۴؛ هک و همکاران، ۲۰۲۱).

* علاوه بر این، نابرابری می تواند باعث کاهش انگیزه و اعتماد به نفس و ایجاد حس محرومیت نسبی شود که همگی به شکل مستقیم یا غیرمستقیم بر کیفیت تحصیل و پیشرفت علمی تأثیرگذارند.

عملکرد هیجانی (عاطفی)

* نابرابری اقتصادی تأثیر منفی و معناداری بر مولفه‌های هیجانی دانشجویان دارد.

* این نابرابری به عنوان یک منبع استرس مزمن (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۴) عمل می‌کند و احساس عدم امنیت، اضطراب و ناامیدی را دامن می‌زند.

* پیامدهای این استرس شامل افزایش خطر ابتلا به افسردگی، کاهش توانایی مدیریت هیجانات و تضعیف سلامت روان است.

* احساس بی‌عدالتی اجتماعی و محرومیت نسبی ناشی از مقایسه با گروه‌های برخوردارتر نیز به بروز واکنش‌های هیجانی منفی مانند خشم، غم و نارضایتی می‌انجامد (اسچمالور و همکاران، ۲۰۲۲)، که به‌ویژه در دوران شکل‌گیری هویت اجتماعی دانشجویان حائز اهمیت است (گوبل و همکاران، ۲۰۲۴).

کنشگری سیاسی

* نابرابری اقتصادی تأثیر منفی و معناداری بر سطح کنشگری سیاسی دانشجویان دارد.

* این تأثیر در قالب کاهش اعتماد به نهادهای سیاسی، ضعف انگیزه برای مشارکت سیاسی و گسترش احساس بی‌قدرتی سیاسی مشاهده شده است.

* تبیین این یافته بر اساس نظریه‌هایی مانند محرومیت نسبی (الکیایر و همکاران، ۲۰۲۴) و بیگانگی سیاسی امکان‌پذیر است:

* محرومیت نسبی: مقایسه شرایط خود با گروه‌های برخوردارتر منجر به احساس سرخوردگی و بی‌اعتمادی نسبت به سیستم سیاسی می‌شود.

* بیگانگی سیاسی: نابرابری‌های ساختاری، افراد را از فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاسی دور ساخته و انگیزه مشارکت را کاهش می‌دهد.

* نابرابری اقتصادی، فراتر از یک عامل صرفاً اقتصادی، دارای پیامدهای روان‌شناختی و اجتماعی عمیقی است که تمایل و توانایی جوانان (به‌ویژه دانشجویان) برای درگیر شدن در فعالیتهای سیاسی را تضعیف می‌کند.

نتیجه‌گیری کلان

به‌طور خلاصه، این پژوهش نشان می‌دهد که نابرابری اقتصادی به‌عنوان یک عامل فشار ساختاری، تأثیرات زیان‌باری بر ابعاد مختلف زندگی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان، شامل عملکرد تحصیلی و شناختی، بهزیستی هیجانی و روانی و مشارکت و کنشگری سیاسی، دارد. این تأثیرات عمدتاً از طریق مکانیسم‌های استرس مزمن، احساس محرومیت نسبی و بی‌عدالتی، کاهش دسترسی به منابع و تضعیف انگیزه و اعتماد عمل می‌کنند. موقعیت جغرافیایی و محرومیت نسبی منطقه سیستان و بلوچستان احتمالاً این تأثیرات منفی را تشدید می‌کند. این یافته‌ها بر ضرورت توجه سیاست‌گذاران به کاهش نابرابری‌های اقتصادی و حمایت‌های هدفمند از دانشجویان مناطق محروم برای بهبود پیامدهای تحصیلی، روان‌شناختی و اجتماعی آنان تأکید دارد.

محدودیت‌های پژوهش

در انجام پژوهش حاضر، نهایت دقت را به عمل آورده شده تا پژوهش دارای نقص کمتری باشد. اما با این وجود بعضی از عوامل، خارج از دست پژوهشگر بود که باعث ایجاد محدودیت‌هایی در پژوهش شده است که به آن‌ها اشاره می‌شود:

1- ممکن است نمونه‌ای که برای تحقیق انتخاب می‌شود، نماینده تمامی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان نباشد. این می‌تواند به دلیل انتخاب تصادفی یا محدودیت‌های جغرافیایی باشد و نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار دهد.

2- یکی از ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه بود که جنبه خود گزارشی دارد، به همین دلیل، ممکن است در اطلاعات به دست آمده سوگیری ایجاد شده باشد.

3- پیشنهاد پژوهشی محدود پژوهش

پیشنهاد‌های پژوهشی

1- توصیه می‌گردد این پژوهش در مقاطع مختلف اجرا و نتایج مورد بررسی قرار گیرد.

2 - استفاده از سایر روش‌های جمع‌آوری داده‌های تحقیق هم چون مصاحبه و سایر روش‌های تحقیق هم چون

روش تحقیق کیفی جهت دست یافتن به نتایج قطعی تر در جوامع آماری.

3 پیشنهاد می شود این پژوهش در شهرهای دیگر نیز انجام گیرد تا بتوان از این طریق قابلیت تعمیم نتایج تحقیق را افزایش داد

پیشنهادهای کاربردی

1-برگزاری کارگاه های آموزشی و سمینارهایی در زمینه مدیریت هیجانات، مهارت های اجتماعی و سیاسی می تواند به دانشجویان کمک کند تا توانایی های شناختی و هیجانی خود را تقویت کنند و به مشارکت سیاسی بیشتری ترغیب شوند.

2-فراهم کردن دسترسی به منابع آموزشی و اطلاعاتی، از جمله کتابها، مقالات و دوره های آنلاین، می تواند به ارتقاء آگاهی سیاسی و اجتماعی دانشجویان کمک کند و در نتیجه بر رفتار سیاسی آنها تأثیر مثبت بگذارد.

3-انجام تحقیقات و ارزیابی های مستمر در زمینه تأثیر نابرابری اقتصادی بر دانشجویان می تواند به شناسایی چالش ها و نیازهای آنها کمک کند و به سیاستگذاران اطلاعات لازم برای تصمیم گیری های مؤثر را ارائه دهد.

4-دانشگاه ها می توانند با سازمان های غیر دولتی و محلی همکاری کنند تا برنامه های حمایتی و آموزشی بیشتری برای دانشجویان ارائه دهند و به کاهش نابرابری های اقتصادی کمک کنند.

منابع

- بهبودی، داود، اسدزاده، احمد، جلیل پور، سالار، کشتیبان. (2013). نقش متغیرهای اجتماعی-اقتصادی (SES) در توضیح نابرابری های سطوح سلامتی در بین دانشجویان (نمونه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه تبریز). جامعه شناسی اقتصادی و توسعه 1 (2)، 57-78.
- میرمرادزهی، مهرداد. (1404). بررسی تأثیر نابرابری اقتصادی بر عملکرد شناختی- هیجانی و رفتار سیاسی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان [پایان نامه ارشد علوم سیاسی دانشگاه سیستان و بلوچستان].
- Broockman, D. E., Ferenstein, G., & Malhotra, N. (2019). Predispositions and the political behavior of American economic

- elites: Evidence from technology entrepreneurs. *American Journal of Political Science*, 63(1), 212-233.
- Brown-Iannuzzi, J. L., Lundberg, K. B., & McKee, S. (2017). Political action in the age of high-economic inequality: A multilevel approach. *Social Issues and Policy Review*, 11(1), 232-273.
- Boman, B. (2024). Cognitive skills and economic growth in the twenty-first century: Evidence from PISA and cognitive ability studies. *International Journal of Educational Research Open*, 7, 100360.
- Deater-Deckard, K., Li, M., Lee, J., King-Casas, B., & Kim-Spoon, J. (2019). Poverty and puberty: A neurocognitive study of inhibitory control in the transition to adolescence. *Psychological science*, 30(11), 1573-1583.
- Du, H., Götz, F. M., King, R. B., & Rentfrow, P. J. (2024). The psychological imprint of inequality: Economic inequality shapes achievement and power values in human life. *Journal of Personality*, 92(1), 222-242.
- Easterbrook, M. J. (2021). The social psychology of economic inequality.
- Elkjær, M. A., & Klitgaard, M. B. (2024). Economic inequality and political responsiveness: A systematic review. *Perspectives on Politics*, 22(2), 318-337.
- Jackson, J. C., & Payne, K. (2021). Cognitive barriers to reducing income inequality. *Social Psychological and Personality Science*, 12(5), 687-696.
- Jetten, J., Wang, Z., Steffens, N. K., Mols, F., Peters, K., & Verkuyten, M. (2017). A social identity analysis of responses to economic inequality. *Current opinion in psychology*, 18, 1-5.
- Haack, C., & Lefebvre, P. (2021). Trends in cognitive skill inequalities by socio-economic status across Canada. *Canadian Public Policy*, 47(1), 88-116.
- Houle, C. (2018). Does economic inequality breed political inequality?. *Democratization*, 25(8), 1500-1518
- Kord M, Mashhadi A, Salehi Fadardi J, Hasani J. Effectiveness of Emotional Working Memory Training on Improving Cognitive Control in individuals with High Trait Anxiety. *Journal of Cognitive Psychology* 2016; 3 (3 and 4) :30-40
- Gobel, M. S., & Carvacho, H. (2024). The dynamic socioecological model of economic inequality and psychological tendencies: A

cycle of mutual constitution. *Social and Personality Psychology Compass*, 18(1), e12875.

Rakesh, D., Shiba, K., Lamont, M., Lund, C., Pickett, K. E., VanderWeele, T. J., & Patel, V. (2025). Economic Inequality and Mental Health: Causality, Mechanisms, and Interventions. *Annual Review of Clinical Psychology*, 21(1), 353-377.

Schmalor, A., & Heine, S. J. (2022). Subjective economic inequality decreases emotional intelligence, especially for people of high social class. *Social psychological and personality science*, 13(2), 608-617.

Solt, F. (2010). Does economic inequality depress electoral participation? Testing the Schattschneider hypothesis. *Political behavior*, 32, 285-301.

Szewczyk, J., & Crowder-Meyer, M. (2022). Community income inequality and the economic gap in participation. *Political Behavior*, 1-26.